معارف حکمی جامعه ▪ دوفصلنامه علمی تخصصی
سال ششم ▪ شماره دهم ▪ بهار و تابستان ۱۴۰۴

کارکردهای زیست‌بوم در الهیات زیست‌محیطی قرآن با تأکید بر رابطه متقابل سلامت اجتماعی و نگرش‌های الهیاتی از دیدگاه علامه جوادی آملی

سمیرا کریم‌نژادی[۱]

چکیده

بحران فراگیر زیست‌محیطی را می‌توان مهم‌ترین تهدید حیات، رفاه و سلامت فردی و اجتماعی انسان در دوران مدرن دانست. نقش الهیات در کنترل و حل بحران‌ها، بس مهم و تأثیرگذار است. علامه جوادی آملی با درك روزآمد از مسائل و نیازهای انسان معاصر و با تبیین رابطه انسان و طبیعت، درصدد ارائه راه‌حلی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی برآمده‌اند. ایشان با تأسی از فرهنگ قرآنی و تحلیل هستی‌شناسانه آن، «خلقت» را جایگزین «طبیعت» نموده‌اند. براین‌اساس، انسان در مقام خلیفه‌اللهی، نسبت به طبیعت و در تعامل آن، امانت‌دار و مسئولیت‌پذیر است که این امر، علاوه بر حفاظت و آبادانی محیط‌زیست، نقش مهمی در تأمین سلامت جامعه و افراد آن ایفا می‌کند. در الهیات زیست‌محیطی مبتنی بر نگرش قرآنی، مهم‌ترین کارکردهای زیست‌بوم را می‌توان در اهداف تربیت مادی، معنوی، عقلانی، اخلاقی و اجتماعی بشر خلاصه نمود. علامه مهم‌ترین موانع ارتباط صحیح با طبیعت را روحیه سلطه‌جویی و سودمداری بشر امروز، بر مبنای جهان‌بینی مادی‌گرایانه و انسان‌مدارانه تعبیر می‌کنند. به‌علاوه، نگاه ابزاری به طبیعت و بی‌توجهی به جایگاه آن در خلقت، از مهم‌ترین عوامل تغییرات اکوسیستم‌ها به شمار می‌رود که تهدید حیات بشر و سلامت فردی و اجتماعی آدمی از پیامدهای آن است.

واژگان کلیدی: محیط‌زیست، الهیات، جوادی آملی، جهان‌بینی، سلامت اجتماعی.

---

۱. دانش‌پژوه سطح چهار رشته کلام اسلامی و پژوهشگر جامعة الزهراء ﷺ، قم، ایران؛
karimnejadi@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۲۱

مقدمه

محیط زیست که سکونت‌گاه موجودات و بستر رشد و تکامل جسمی ـ روحی آنان است، به‌نوعی ضامن آسایش، بقا، سلامت و استکمال مادی و معنوی بشر و نسل‌های آتی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف، ص۲۷ـ۲۸).

رد پای توجه به زیست‌بوم را در اقوام بدوی و آیین‌های مختلف پیشاتاریخی می‌توان مشاهده نمود؛ به‌گونه‌ای که آداب‌ورسوم مذهبی آنان، بر اساس اعتقاد به شعورمندی طبیعت، با احترام، تقدیس و پرستش مظاهر طبیعی ـ به‌عنوان نمادهای حقایق معنوی ـ توأم بوده تا آنجا که در دیدگاه‌های زیست‌محیطی، آیین جینیسم مبتنی بر اصول معنویت و تساوی، و ممنوعیت هرگونه دخل و تصرف انسان در طبیعت، مورد تأکید است (Hume, 1959, p58). ازطرفی ادیان آسمانی، در عمق تعالیم خود، ضمن توجه به اصول اخلاق زیست‌محیطی، خلقت را منظومه‌ای از نظام احسن و چرخه‌ای مرتبط به هم و متصل به حقیقتی الهی می‌دانند که خاستگاه آدمی، منشأ طبیعت و غایت آنان است (نصر، ۱۳۸۶، ص۵۲).

بحران زیست‌محیطی متأثر از دوران علمی ـ صنعتی و تحولات مدرن، بزرگ‌ترین چالش انسان معاصر و تهدید امنیت و سلامت جهان به شمار می‌رود. در این دوران، تحت تأثیر نگرش‌های فکری ـ فلسفی مدرنیته، ازجمله اومانیسم، سکولاریسم و علم‌گرایی افراطی و ظهور تکنیک و فن، دیدگاه قدسی به طبیعت به نگاهی ابزارگرایانه و سودمدارانه تقلیل یافت (جوادی آملی، ۱۳۸۷الف، ص۳۳ـ۵۳)؛ به‌گونه‌ای که فرانسیس بیکن ـ شاخص‌ترین فیلسوف دوره رنسانس ـ تعریف علم را به کسب قدرت جهت دسترسی آسان به طبیعت و سلطه بر آن فروکاست (Bacon, 2006, p29). حاصل چنین رویکردی، علاوه بر بهره‌وری بی‌رویه از طبیعت و تصرف غیراصولی در آن، با فرایندهای تخریبی زیستی توأم بود؛ تا آنجا که سلامت جسم و روان بشر و به‌تبع آن، سلامت اجتماعی را نیز به مخاطره انداخته است. همچنین افزایش آلاینده‌های مخرب، گرمایش زمین و تخریب لایه ازن را در پی داشته و با نابودی اکوسیستم‌ها و آلودگی آب‌وهوا، تنوع زیستی و گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض نابودی است.[1]

الهیات محیط زیست، ضمن مساعدت در کنترل بحران، کارکرد مادی، معنوی، فردی

1. “Environmental crisis” in online Oxford Reference, Oxford university Press.

و اجتماعی دین را در کنار سایر نهادهایی که تلاش می‌کنند راهی به‌سوی حل بحران بگشایند، ارائه می‌کند و نقش بسزای آن را در کسب و ارتقای سلامت جسمی و روحی بشر اثبات و تبیین می‌نماید. شاید بتوان اذعان نمود معجزه حل چنین بحران عظیمی، جز با تغییر نگرش و جهان‌بینی انسان، امکان‌پذیر نیست. در این میان، نگاه اسلامی ـ قرآنی به طبیعت، برجسته و بس مهم و تأثیرگذار است. براین‌اساس، تغییر نگرش به جهان بر اساس نظام احسن و حکمت باری، ضامن احیای دیدگاه قدسی طبیعت بر مبنای جهان‌بینی توحیدی است. به‌علاوه، تعیین جایگاه متعالی برای انسان به‌عنوان خلیفه‌الله و تبیین نسبت متوازن میان وی و طبیعت به‌عنوان صنع الهی، مبنای ارائه نظام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی الهیاتی است که می‌تواند به برون‌رفت از بحران مدد رساند و رفاه، آسایش و بالندگی جامعه بشری را رقم زند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف، ص۱۹ـ۲۴).

آیت‌الله جوادی آملی، از اندیشمندان معاصر، باتوجه‌به دغدغه‌های زیست‌محیطی عصر حاضر، ضمن تألیف کتب و ارائه سخنرانی‌ها و مقالات، راهکارهایی برای حل بحران محیط‌زیست بر اساس مبانی اسلام ارائه نموده‌اند. از نوآوری‌های ایشان، جایگزینی عنوان «خلقت» به‌جای «طبیعت» است. علامه با واکاوی ریشه‌های بحران، نگرش مادی‌گرایانه و انسان‌مدارانه و غفلت از فاعل و غایت الهی جهان هستی را انحراف اصلی بشر معاصر دانسته و جهان‌بینی توحیدی را برای درک جایگاه حقیقی انسان و طبیعت و تعامل مطلوب آدمی با آن ضروری می‌دانند که ثمره آن آبادانی محیط‌زیست و تحقق جامعه سالم و مدینه فاضله قرآنی خواهد بود (همان، ۱۳۸۹د، ص۱۳۰).

۱. ویژگی‌های دوران مدرن و نسبت آن با بحران‌های زیست‌محیطی

دوران مدرن تحت تأثیر جنبش‌های فکری و انقلاب‌های علمی ـ فرهنگی، دگرگونی‌ها و تحولات شگرف الهیاتی، متافیزیکی و تکنولوژیکی را به دنبال داشت که مجموعه این تغییرات و تحولات، بر زندگی مادی و معنوی انسان معاصر در ابعاد نظری و عملی تأثیر گذاشت. ازجمله، مناسبات میان انسان و طبیعت را دچار دگرگونی نمود که بحران‌های زیست‌محیطی، بخشی از فرایند مذکور و نتایج و الزامات آن به شمار می‌رود. ویژگی‌های برجسته مدرنیته را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱ـ۱. از پیامدهای توجه افراطی به علم و انحصار آن در تجربه و حس، تهی شدن دانش از معنا و مفهوم قدسی و دوری آن از الهیات بود؛ تا آنجا که برخی از اندیشمندان را بر آن داشت تعریف علم را با تحصیل و مهار طبیعت، همسان تلقی نمایند؛ به‌گونه‌ای که غایت معرفت، سلطه هرچه‌بیشتر انسان بر زیست‌بوم و تصرف بی‌رویه در آن تبیین گردید (Bacon, 2000, P102 _ 169).

۱ـ۲. تکنولوژی به‌عنوان ماهیت جهان معاصر، علاوه بر ارائه ابزارهای نوین و پیشرفت ماشین‌آلات صنعتی، با نگاه انسان‌مدارانه به فناوری توأم گردید که از لوازم آن، تغییر نگرش به عالم و غلبه تفکر ابزارگرایانه به طبیعت بود. همچنین با شیفتگی و اسارت انسان معاصر به ابزارهای مدرن و تعامل غیراخلاقی وی با طبیعت در جهت اهداف منفعت‌طلبانه، زیست‌بوم به مثابه منبع ذخیره انرژی تلقی گردید که بهره‌برداری حداکثری محیط‌زیست و تخریب شگرف فیزیکی و معنوی آن را در دو قرن اخیر در پی داشت (Heidegger, 1977, P10).

۱ـ۳. باور به اصالت عقل و تأکید بر عقل خودبنیاد به‌عنوان یگانه مرجع نیل به حقیقت و استقلال و محوریت آن در تمام امور نظری و عملی، دیگر ویژگی دنیای مدرن بود. عقل‌محوری مبتنی بر نفی جهان‌بینی الهی، تمامی جنبه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر مدرن را بازسازی نمود. به‌علاوه، حیاتمندی و کارایی معارف وحیانی و مبانی متافیزیکی در مناسبت با عقل مدرن و خرد، جزئی و ابزاری ارزیابی شد که نگرش کمی به هستی و محاسبه‌پذیر کردن طبیعت، از پیامدهای آن بود (جوادی آملی، ۱۳۸۷الف، ص۴۴ـ۴۶).

۱ـ۴. دیدگاه اومانیستی، از بنیادی‌ترین شالوده‌های تفکر جدید غرب و مهم‌ترین شاخصه تأثیرگذار بر تمام شئون دوران مدرن است. در این دوره، با جایگزینی انسان‌محوری با خدامحوری، آدمی در جایگاه محوری عالم قرار گرفت و تمام ارزش‌ها، روابط و حقایق در نسبت با او تبیین گردید (Abbagnano, 1972, p69_70). برنامه‌ریزی برای سلطه بر جهان و مالکیت بر هستی و کائنات، ظهور سودگرایی، لذت‌گرایی و برخی گرایش‌های اومانیستی، ازجمله پراگماتیسم، حاصل چنین نگرشی بود. انسان مدرن با نگاه

کاملاً ابزاری و محاسبه‌گرایانه، تعاملات با طبیعت را در جهت لذات مادی و جسمانی و اهداف سلطه‌جویانه خود سامان بخشید که تخریب و تصرف بی‌رویه در محیط زیست، از پیامدهای آن بود (نصر، ۱۳۸۶، ص۳۴۵ـ۳۴۶).

۵ـ۱. سکولاریسم را می‌توان بنیاد تفکر انسان مدرن دانست که در پی تحولات فکری و فلسفی مدرنیسم شکل گرفت. این نگرش، مبتنی بر اعتقاد به اصالت امور دنیوی و حذف آخرت‌گرایی است که بر اساس آن، به مادیات از زوایای مستقل از امور ماوراء طبیعی نگریسته می‌شود. به‌علاوه، با ابطال دین و تنزل ارزش آن در حد خرافه و افسانه، یا تحدید قلمرو امور قدسی به مسائل فردی و اخلاقی به بهانه مخدوش شدن چهره متعالی و مطهر آن، کارکردهای اجتماعی دین و به‌ویژه نقش آن در سلامت مادی و معنوی جامعه به حاشیه رانده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷الف، ص۶۶ـ۶۷).

ازنظر علامه، علم‌زدگی و عقل‌گرایی بشر متمدن در بستر مکتب انسان‌مداری، زمینه‌های تکوین تفکر سکولار را فراهم ساخت (همان، ص۳۳ـ۵۳). چنین رویکردی، انسان مدرن را فارغ از هرگونه دیدگاه قدسی به عالم و احساس تعهد نسبت به اجزای آن، با نگرش از دریچه نفسانیات، به بهره‌برداری حداکثری و لجام‌گسیخته از طبیعت سوق داد و ثبات، امنیت و سلامت بشر را به مخاطره افکند. دست‌اندازی انسان و افراط وی در بهره‌برداری از طبیعت تا آنجا رشد و توسعه یافت که به اذعان همه اندیشمندان، علاوه بر تهدید سلامت بشر، جامعه جهانی و نظام اجتماعی را در میانه چالش‌های متعدد زیست‌محیطی گرفتار نمود (همان، ۱۳۸۸الف، ص۳۷ـ۴۰).

۲. الهیات محیط‌زیست

الهیات زیست‌محیطی برای بهره‌گیری از ظرفیت دین، در حفاظت و حمایت از محیط‌زیست و تبیین و توجیه نظام‌مند جایگاه آن در جهان هستی شکل‌گرفته است. ازاین‌رو، ضمن ایفای نقش کلامی در پاسخ به شبهات نوین، درصدد است با استفاده از سنن و منابع دینی و الگوهای الهیاتی، با تبیین نسبت میان خداوند و جهان هستی و تحلیل نقش و رابطه انسان با طبیعت، به ریشه‌یابی و چاره‌جویی بحران‌های زیست‌محیطی بپردازد (صالح و حسنی، ۱۳۹۶، ص۱۰۵).

ادیـان الهـی بر اصلاح نگرش انسـان بر مبنـای آموزه‌هـای وحیانی تأکید کـرده و به فراخور مبانی و تعالیم آسمانی خود، مدل‌های الهیاتی برای مقابله با بحران محیط زیست ارائه داده‌اند. الهی‌دانان و متکلمان مسیحی معتقدند می‌توان با بازخوانی و تمرکز در متون مقدس، رابطه‌ای نظام‌مند میان انسان و طبیعت مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی پی‌ریزی کرد که محیط‌زیست سالم، انعکاسی از تحقق ملکوت و وعده الهی شمرده می‌شود (همان، ص۱۲۴ـ۱۲۵). دیدگاه دین یهود در حل بحران محیط‌زیست بر اساس تعالیم و منابع دینی آن، ازیک‌طرف، اتخاذ بینشی قدسـی به کائنات و از سـوی دیگر، تدوین اخلاقیاتی اسـت که بر قرابت بشر با عالم طبیعت و مسئولیت انسان در حفظ کره خاکی و مخلوقات آن تأکید دارد (نصر، ۱۳۸۶، ص۳۹۸).

۳. مبانی الهیات زیست‌محیطی علامه جوادی آملی

۱ـ۳. نظام احسن و حکمت باری‌تعالی

نظریه نظام احسن، از مبانی مهم جهان‌شناسی فلسفی، کلامی و عرفانی به شمار می‌رود. بر اساس آن، جهان آفرینش، به بهترین وجه در سایه حکمت و تدبیر الهی و در پرتو رحمت، قـدرت و عنایـت حق تکوین یافته اسـت؛ به‌گونه‌ای که مجموعه خلقـت، با زیبایی، نظم و هماهنگی اجزای آن، حقیقتی واحد اسـت که با نیکوترین نظام و محکم‌ترین انسـجام، رو به‌سوی غایتی متعالی دارد. در هستی‌شناسی علامه، نظام احسن، بر اساس حب و عشق ذاتـی الهـی، عنایت و علم خداوند به هسـتی، وحدت و اتقان نظـام خلقت، خیریت ذاتی حق و سـریان رحمت مطلق الهی در عالم، تبیین و اثبات شـده است. براین‌اساس، جهان نظام‌منـد آفرینـش، درنهایت حسـن و جمال اسـت و قداسـت، شـعورمندی، حیاتمندی و غایتمندی کائنات، از ثمرات آن به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج۳، ص۶۰۳ـ۶۳۹).

در نگرش عرفانی علامه، تمام عالم، جلوه حق به شمار می‌رود و حقایق متعدد آفرینش، تجلیـات آن حقیقـت واحدند که در غایت حسـن و کمال سرشـته شـده‌اند. براین‌اسـاس، عالـم مظهـر و تجلی کمالات ذاتی حق بوده و پدیده‌هـای خلقت، ظهور صفات فعل او در آفرینش محسـوب می‌شـوند (همان، ص۶۰۵ـ۶۰۶) که ضمن برخورداری از قداسـت، خیریت و تعالـی ذاتـی، شـر و نقصـان در آنها راه نـدارد (ابن‌عربـی، ۱۹۹۴، ج۹، ص۴۲۲) و دارای غایت و کمالی متعالی است.

بر اساس مبانی حکمت متعالیه، ازجمله «اصالت و تشکیک وجود»، سلسله پیوسته و نظام‌مند هستی، حقیقت واحد ذومراتبی است که از مبدأ فیض الهی و ذات جامع کمالات وجودی صادر شده است و در حدوث، بقا و انسجام خود، وابستگی تامّ به او دارد. در چنین نگرشی، ضمن ارتباط طولی عوالم آفرینش با استقرار مخلوقات در مراتب مختلف وجودی و اتصال عینی و تکوینی آنها با یکدیگر، هر فعل و انفعالی، کلیت نظام خلقت را متأثر می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ج، ج۳، ص۶۲۰ـ۶۲۱). همچنین علامه با استناد به «توقیفیت اسماء»[1] و «نظام علّی و معلولی»، اتقان و استحکام نظام آفرینش را تبیین و اثبات نموده است؛ به‌گونه‌ای که حقایق عالم، با احکام، حدود و آثار ویژه خود در مرتبه معین هستی قرار گرفته و نسبت به مقام خود ثابت و پایدارند (همان، ۱۳۸۷ب، ج۲، ص۲۳۳). در چنین نظامی، طبیعت علاوه بر جایگاه معین و متشخص خود، نسبت ویژه‌ای با منظومه جامع خلقت دارد؛ به‌نحوی‌که هر نوع تغییر در وضعیت آن، کل عالم هستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علامه در هستی‌شناسی توحیدی، بر اساس اصول و مبانی فوق، ضمن جایگزینی خلقت با طبیعت، محیط‌زیست را رقیقه آن وجود حقیقی (همان، ۱۳۸۹ح، ج۱۳، ص۱۷۸) و تجلی‌گاه اسماء و صفات حسنی باری دانسته که در سیر نزولی عوالم وجودی تحقق یافته است (همان، ۱۳۸۶الف، ص۳۲۳ـ۳۲۴). ایشان محیط‌زیست و حقایق آن را مظاهر رحمت الهی، جلوه جمال حق و آیات و نشانه‌های الهی می‌داند (جاثیه: ۳ـ۴) که به جهت ارتباط وثیق با حق‌تعالی، از قداست و تعالی وجودی برخوردارند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ج، ج۳، ص۶۰۸). به‌علاوه، حقایق طبیعی بر اساس طرح‌ریزی و تقدیر مشخص و متناسب با قوا و استعدادهای گوناگون آفریده شده‌اند و با کارکرد خاص خود، با یکدیگر ارتباط و تعامل دارند. به عبارتی، با سریان قوانین و سنن ثابت الهی در عالم طبیعت، مجموعه‌ای

۱. در سلسله طولی اسماء، اسماء ذات، صفات و افعال الهی موطن خاصی دارند و خصوصیات هر موطنی باعث ظهور حق‌تعالی در آن مرتبه است. مثلاً در موطنی که اسم فعل الهی (رازق) مشاهده می‌شود، اسم ذات خداوند (علیم) ظهور ندارد. به‌عبارت‌دیگر، کلیات اسماء در مقام واحدیت خداوند، دارای موطن خاص و نیز جزئیات اسماء که از ترکیب آنها حاصل می‌شوند و در عالم کائنات ظهور دارند، جایگاه خاصی دارند و قابل تقدم و تأخر نیستند (جوادی آملی، ۱۳۸۷ب، ج۲، ص۲۳۳ـ۲۳۴).

متوازن، متقن و نظام‌مند تحقق یافته است که هیچ‌گونه خلل و خطایی در آن راه ندارد (همان، ۱۳۸۴الف، ص۳۳۹ـ۳۴۱). ایشان زیست‌بوم و پدیده‌های آن را ابداع مدبری حکیم می‌داند که در پرتو علم، عنایت[1] و قدرت ربانی، به بهترین و کامل‌ترین وجوه صنع، فیض وجود یافته‌اند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج۷، ص۵۷) و ضمن بهره‌مندی از ادراک و حیات، در سیر استکمالی خود به‌سوی ذات اقدس خداوند درحرکت‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف، ص۱۳۰ـ۱۳۱). ازاین‌رو، مجموعه باشکوه و نظام‌مند طبیعت، نعمتی از نعیم کبریایی و ثمره علم و قدرت بیکران و فیض و حیات سرمدی است که اثر او جز نظام احسن نخواهد بود (همان، ۱۳۹۰الف، ص۳۷).

۲ـ۳. خلیفه‌اللهی انسان

باتوجه‌به نقش محوری انسان در تحولات نظام خلقت و طبیعت، بررسی جایگاه هستی‌شناختی وی، رکن اصلی مبانی انسان‌شناسی دینی و فلسفی محسوب می‌شود و تبیین مقام و نقش خلیفةالله در نظام احسن و بررسی نسبت آن با طبیعت، از اصول مهم الهیات زیست‌محیطی به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که نحوه تعامل انسان و طبیعت و مسئولیت‌های وی در حفاظت از محیط‌زیست و تأمین سلامت فردی و اجتماعی بشر، مبتنی بر آن است (همان، ۱۳۸۸الف، ص۱۵).

در نگاه معرفت‌شناختی بسیاری از اندیشمندان، انسان به جهت جامعیت و تعدد ساحات وجودی، قابلیت ادراک همه شئون هستی و سیر از عالم طبیعت تا مرتبه الوهیت را دارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج۴، ص۸ـ۹)؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر وجوه ملکی، جسمانی و طبیعی، ابعاد ملکوتی و الهی را شامل می‌شود. همچنین، واجد قوای نفس ناطقه و عاقله، و از اراده و اختیار برخوردار است. براین‌اساس، در سیر تکوینی و استکمالی عوالم ماده تا ملکوت و صیرورت وجودی، کمالات بالقوه‌اش را متناظر با نیازهای وجودی به فعلیت می‌رساند و باکسب مراتب حیات انسانی، به مقام وحدت عقلی نائل می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۴ب، ص۱۶۸ـ۱۷۳).

---

۱. تکوین عالم هستی به علم عنایی حق و عین رضای اوست؛ به‌گونه‌ای که جهان با علیت و علم ذاتی باری‌تعالی به نظام اتم و احسن وجود سامان یافته و او به مشیت خود به این نحو از آفرینش راضی است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج۷، ص۵۷).

خداوند سبحان نوع بشر را به جهت عظمت وجودی و اتصال به منبع علم الهی، به شرافت ذاتی مزین نموده و با افاضه روح الهی، به مقام رفیع خلیفه‌اللهی منسوب گردانیده است. ازنظر علامه، حقیقت انسان با آفرینشی ویژه سرشته شده است و تألّه و حیات الهی، مقوم هویت وی به شمار می‌رود (همان، ۱۳۸۹ج، ص۲۱۶ـ۲۱۸)؛ به‌گونه‌ای که بینش شهودی نسبت به مدبر عالم و گرایش و حب آگاهانه به او در متن خلقت وی پی‌ریزی شده است. (همان، ۱۳۸۴ب، ص۲۶ـ۲۷). براین‌اساس، هرگاه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های وجودی، در مسیر صلاح و ثواب گام بردارد، به کمال معرفت و قرب الهی نائل می‌شود و از این رهگذر، مسجود ملائک و خلیفه خداوند می‌گردد (همان، ۱۳۸۹و، ج۳، ص۴۰). بنابراین، مقام خلیفه‌اللهی، ضمن دلالت بر جامعیت فضایل و کمالات انسان نسبت به سایر مخلوقات، از جانشینی حق‌تعالی در «تمامی شئون وجودی، آثار، احکام و تدابیر» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱، ص۱۱۵) عالم هستی حکایت می‌کند که آیه ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ تلمیح به این معنا است.

در الهیات زیست‌محیطی علامه، نظریه خلیفه‌اللهی علاوه بر تفسیر ارزش و جایگاه هستی‌شناختی انسان در عالم و تعیین روابط میان مبدأ و معاد، ارتباطات و تعاملات وی با سایر مراتب هستی و مخلوقات را تبیین می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که نقش محوری خلیفه‌الله را در ابعاد نظری و عملی حیات انسانی، قابلیت‌ها و کارکردهای وی را در عرصه حیات و سلامت فردی و اجتماعی و نتایج مترتب بر آن را در خلقت و طبیعت آشکار می‌سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴ب، ص۷۷). براین‌اساس، ایشان تسلط خلیفه‌الله بر نظام آفرینش به اذن الهی را از ابعاد عملی خلافت وی می‌داند که ضمانت علمی، اجرایی و معنوی انسان در بهره‌وری و تسخیر طبیعت، مبتنی بر آن است (همان، ۱۳۸۹و، ج۳، ص۴۱). درون‌مایه چنین نگرشی، تصرف حکیمانه و تدبیر خردمندانه زیست‌بوم باتوجه‌به مصالح عالیه نظام هستی و بشر است که آدمی را در مقام امین و وکیل خداوند، نسبت به پرورش قوا و انتظام اجزای خلقت، بهره‌برداری بهینه از مواهب طبیعت و حفاظت محیط زیست، متعهد و مسئولیت‌پذیر می‌سازد (همان، ۱۳۸۸هـ، ج۱۶، ص۴۴۰) و دامنه رفتارهای اخلاقی انسان را در تعامل با زیست‌بوم افزایش می‌دهد (همان، ۱۳۸۸الف، ص۲۷ـ۲۸). به‌علاوه، آثار

حیـات طیبـه و متعالی چنین جایگاهی در خلقت، تدبیـر فراگیر جهان و احاطه قیومی بر مخلوقات را شـامل می‌شـود؛ تا آنجا که تصرف تکوینی و تشریعی در آفرینش، فیض‌بخشی به عالم و هدایت موجودات به‌سـوی غایات خلقت، از لوازم آن به شـمار می‌رود که ثمرات آن را می‌توان در اداره و احیای زمین مشاهده نمود (همان، ۱۳۹۰ج، ج۷، ص۴۷). لذا به‌تصریح علامـه: «فرهنـگ زیسـت‌محیطی، بـا مقـام برین جانشـینی خـدا آمیختـه اسـت» (همـان، ۱۳۸۹الف، ص۱۹۷). براین‌اسـاس، خلیفه خداوند در پرتو حیات متألهانه، با هماهنگی قوای درونـی، اعتـدال نفسـانی و سـازگار نمودن افعـال خود در راسـتای تعادل و کمـال طبیعت (همان، ۱۳۸۸الف، ص۷۳ـ۷۴)، علاوه بر حفاظت زیسـت‌بوم و رونق آن، زمینه رشـد و تکامل جسـمانی و روانـی را در راسـتای کسـب سـلامت معنوی و تعالـی وجودی هموار می‌نماید (همان، ۱۳۸۹الف، ص۱۹۷) و جامعه سـالم و مدینه فاضله الهی و قرآنی را محقق خواهد نمود (همان، ۱۳۸۶ج، ج۴، ص۳۵۴).

۴. نظریه خلقت؛ جایگاه ویژه طبیعت در اندیشه علامه جوادی آملی

ازنظـر علامه، بشـر مدرن مبتنی بر فلسـفه الحـادی غرب، نظام هسـتی را مجموعه‌ای فاقد حیـات و منفصـل از مبـدأ و معـاد ارزیابـی می‌کنـد (همـان، ۱۳۸۸ب، ص۱۳۵). در ایـن نگاه، عنوان «طبیعت» با تنزل ارزش و جایگاه الهیاتی آن در خلقت توأم گشـته اسـت؛ به‌گونه‌ای که ضمن غفلت از پیوند طولی نظام خلقت با مبدأ هستی، سیر تحولات و تطورات مظاهر طبیعـی به‌صـورت عرضـی، در محـدوده نظـام داخلـی آن و در بسـتر زمان، حرکـت، ماده و نظایـر آن بررسـی می‌شـود (همـان، ۱۳۸۸الـف، ص۱۲۹ و همـان، ۱۳۸۸ب، ص۱۳۵). به‌عـلاوه، بـا نگرش ابزاری و سلطه‌جویانه به طبیعت، آن را وسیله‌ای در جهت توسعه رفاه مادی و رونق اقتصادی قلمداد می‌کنند و در راستای اهداف منفعت‌طلبانه به خدمت می‌گیرند.[۱] ایشان در نقـد و بررسـی دیـدگاه فوق، «نظریـه خلقت» را ارائه نمـوده و با تبـدیل جریـان «طبیعت» به‌عنـوان «خلقـت» و فعـل الهـی، درصدد اصلاح نگرش انسـان معاصر به محیط‌زیسـت و تبدیل آن به جایگاه ذاتی و منظم طبیعت در جهان آفرینش برآمده‌اند.

در آموزه‌هـای اسـلامی، مبتنـی بـر نظـام احسـن الهـی، عالـم طبیعـت، گسـتره حیات

۱. ر.ک: به بخش «ویژگی‌های دوران مدرن و نسبت آن با بحران‌های زیست‌محیطی».

انسان و سایر موجودات به شمار می‌رود که در فعلیت‌بخشی به غایت خلقت مؤثر است؛ به‌گونه‌ای که حقایق طبیعی، افعال الهی‌اند که ضمن اتصال وجودی با حق‌تعالی و ارتباط با انسان و عالم هستی، از مبدأ فیض و اسماء الهی نشئت می‌گیرند و به آن منتهی می‌گردند. براین‌اساس، شعورمند، تسلیم و تسبیح‌گوی ذات اقدس الهی و از هدفمندی خاص و عام برخوردارند. بنابراین، جایگاه طبیعت در سلسله‌مراتب نظام خلقت، از ارکان غایتمندی جهان آفرینش به شمار می‌رود و از قداست و ارزشمندی ذاتی برخوردار است. لذا تخریب و تضییع مواهب طبیعی یا اختلال در شبکه اکوسیستم‌ها، حیات زیست‌بوم و چرخه هستی را به مخاطره می‌اندازد که غفلت از جایگاه و غایت طبیعت در نظام آفرینش، کفران نعمت الهی و تهدید کل عالم محسوب می‌شود. (همان، ۱۳۹۶، ص۷۳۷ـ۷۳۸ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۶، ص۱۹۵).

بنابراین، «نظریه خلقت» ضمن تبیین جایگاه ارزشمند طبیعت در جهان هستی، بر سایر قلمروهای جهان آفرینش سایه می‌اندازد و با مبانی توحیدی وابسته است؛ به‌گونه‌ای که عنوان «خلقت»، مقوم هویت زمین و موجودات به شمار می‌رود که شناخت آن بدون معرفت خالقی مدبر و حکیم امکان‌پذیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹ب، ص۱۳۰).

ازاین‌رو، سیاست‌ها و راهبردهای نظری و عملی قرآن و عترت علیهم‌السلام در راستای حفاظت و آبادانی محیط‌زیست، بر اساس جایگاه ارزشمند طبیعت در جهان خلقت شکل گرفته است (همان، ۱۳۸۸الف، ص۴۶). همچنین، توجه به الهیات زیست‌محیطی و ظرایف آن، در جهت حل بحران ضرورت دارد که با ایجاد پیوند معرفتی میان جهان‌بینی الهی و تفسیر صحیح از زیست‌بوم، قلمروها و ارتباطات آن مبتنی بر اصول زیست‌محیطی حیات انسانی تبیین می‌شود و مسئولیت‌های آدمی نسبت به اداره و حفاظت محیط‌زیست معین می‌گردد (همان، ۱۳۸۹الف، ص۱۹۷).

۵. آثار طبیعت در خلقت و نسبت آن با سلامت اجتماعی

بر اساس مباحث پیشین، «طبیعت» از جایگاه و حکمت خاص و عام برخوردار بوده و بدین‌سان از آثار، ثمرات و غایات متعددی در مجموعه خلقت بهره‌مند است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر تأمین نیازهای جسمی و روحی آدمی، بر هندسه معرفتی، شکل‌گیری

شـخصیت و رفتـار و نوع تعامـلات و ارتباطات وی بـا مخلوقات تأثیرگذار اسـت. در نظام الهیـات زیسـت‌محیطی مبتنـی بـر جهان‌بینـی اسـلامی و دیـدگاه علامـه جـوادی آملـی، طبیعـت از کارکردهـای مادی، معنـوی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعـی و... در نظام آفرینش برخوردار اسـت. براین‌اسـاس، تأمین اصول زیسـت‌محیطی، حفاظت زیست‌بوم و پرهیز از تخریـب و آلودگـی آن، از حقـوق طبیعـت بر آدمی و تکالیف انسـانی به شـمار می‌رود که با حیات فرد و جامعه پیوند دارد (همان، ۱۳۸۸الف، ص۸۴).

۱ـ۵. کارکردهای طبیعت در سلامت مادی

طبیعـت، مبـدأ مراحل تکوین و رشـد مخلوقات و شـرط لازم زیسـت مـادی و تکامل آنها به شـمار مـی‌رود؛ به‌گونـه‌ای که با فقدان یـا اختلال در زیسـت‌بوم، حیات و بقـای موجودات و به‌ویـژه انسـان، دچار تحـول و آسـیب‌های فراوانـی می‌گـردد (طباطبایـی، ۱۳۹۰، ج۱۶، ص۱۹۵). براین‌اسـاس، پـرورش ابعـاد جسـمی و روحـی آدمی و تـداوم حیـات فردی و اجتماعی بشـر و نسـل‌های آتی او مسـتلزم فراهم شـدن اسـباب معیشت مادی و سـلامت زیست‌محیطی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف، ص۲۵۱ـ۲۵۲). بنابراین، سلامتی و نشاط بدن و روان انسان، رفاه، امنیـت و آرامـش جامعه بشـری، بـه عوامل و پدیده‌های محیط‌زیسـت وابسـتگی دارد که بر اساس کارکرد و جایگاهشان در حیات انسانی، از اهمیت بسزایی برخوردارند (همان، ص۱۴). به‌علاوه، در مبانی قرآنی، جسـم مَرکَب روح و ابزار تدبیر نفس به شـمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که تقویـت و تجهیـز قوای جسـمانی و روانـی در تعامل با پدیده‌های طبیعت، نقش اساسـی در تربیت عقلانی و معنوی آدمی و تعالی وجودی وی ایفا می‌کند (همان، ۱۳۹۰ب، ص۴۰).

عناصر زیسـت‌محیطی، شـامل آب، هوا و خاک، از مؤثرترین عوامل سـاختاری زمین و چرخـه زیسـتی پیوسـته‌ای از منابـع طبیعت به شـمار می‌روند که حیات و بقـای موجودات از آنها متأثرند. آب و خاک، سرچشـمه آفرینش و هسـتی انسـان و موجودات زنده (انبیاء: ۳۰ و حجر: ۲۶) و مبدأ تغذیه و رشـد آنها (نحل: ۱۱ و یونس: ۲۴) محسـوب می‌شـود و صفا و پاکیزگی طبیعت از آن نشئت می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که با تطهیر آلودگی‌های جسمانی و محیطی، تجزیه فضولات و پسماندهای محیط‌زیست و حفظ و توسعه پوشش گیاهی آن، در سلامت و تعادل مجموعه زیست‌بوم نقش اساسی ایفا می‌کند (Lal, 2015, pp58_78). نصوص دینی، ضمن اشاره

به اثرات آب و خاک در نظافت بدن و دفع امراض جسمانی (انفال: ۱۱ و نساء: ۴۳)، نقش باران را در آراستگی و تطهیر طبیعت و احیای فضای سبز (نحل: ۶۵؛ حجر: ۲۲ و طه: ۵۳)، و تأثیر خاک را در ذخیره و تصفیه منابع آبی، پرورش موجودات (ق: ۷) و نابودی آلودگی‌های اقلیمی، مهم و اساسی ارزیابی می‌نماید.[۱] همچنین نور آفتاب علاوه بر نقش پاک‌کنندگی و حیات‌بخشی به زمین و موجودات، از محرک‌های تأثیرگذار بر جسم و روان آدمی و عواطف، احساسات و فعالیت‌های حیاتی وی به شمار می‌رود. به‌علاوه، بادها در شمار پدیده‌های طبیعی مؤثر در باروری گیاهان و احیای زمین قرار دارند و نسیم‌های فصلی، بر پژمردگی یا طراوت روح و جسم آدمی و تغییر سطح توانایی‌ها و سلامت ذهن و خلق‌وخوی وی تأثیرگذارند.

بنابراین، صفات و ویژگی‌های جسمی و روحی، کیفیت زندگی، تغذیه و نحوه عملکرد حیاتی موجودات و به‌ویژه انسان و نوع رفتار و خلقیات آدمی، از تغییرات جوّی و تنوع اقلیمی متأثرند؛ به‌گونه‌ای که نوسانات جوی هوا، با اثرگذاری بر عملکرد مغز، قلب و جریان خون انسان، تحریکات عصبی متفاوت را موجب می‌شوند. همچنین، تغییرات نور آفتاب، دما و رطوبت هوا، بر میزان هوشیاری و تحریک‌پذیری افراد نسبت به محیط اطراف، رفتار و عکس‌العمل‌های متفاوت آنها تأثیر دارد (غیاث و شرقی، ۱۳۹۷، ص۱۴ـ۱۶). باتوجه‌به چالش‌های زیست‌محیطی عصر حاضر، به‌ویژه خشک‌سالی و «بحران آب‌وهوا»، بررسی نقش آلاینده‌ها در ایجاد تغییرات و نوسانات ناگوار محیطی و جوّی، حائز اهمیت است (Schlosser and et al, 2014, pp341_361)؛ به‌گونه‌ای که آلودگی اکوسیستم‌ها، چرخه عناصر طبیعی زمین را مختل می‌کند و سلامت محیط‌زیست و به‌تبع آن، حیات فردی و اجتماعی انسان را به مخاطره می‌اندازد. فرهنگ جامع قرآن و سنت، عناصر محوری زمین را از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی معرفی کرده و به نقش آنها در حفظ حیات و سلامت انسان و موجودات توجه نموده است. از این رهگذر، پویایی و نشاط زندگی را در بهره‌مندی از هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز می‌داند (فرقان: ۴۸).[۲] همچنین اهتمام

---

۱. ر.ک: مفاتیح الحیاه، بخش پنجم، تعامل انسان با محیط‌زیست.

۲. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «لا تطیب السکنی إلاّ بثلاث، الهواءُ الطیّب و الماءُ الغزیر العذب و الارض الخواره» (تحف‌العقول، ص۳۲۰).

به سلامت محیط‌زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، بررسی چگونگی پالایش و تصفیه آب‌وهوا و ارزیابی راهکارهای احیا، تسطیح، کویرزدایی و صیانت زمین را از وظایف انسانی و دینی قلمداد نموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص۷۰۶).

طبیعت منشأ بسیاری از نیازهای اولیه و بنیادین انسان به شمار می‌رود که در پرورش و تربیت مادی و معنوی انسان نقش اساسی ایفا می‌کند. زمین، محل سکونت و قرارگاه آدمی، جایگاه رشد، بلوغ و ثمردهی انسان، محل تأمین نیازهای زیستی و کسب آسایش جسمانی و روانی وی است. آموزه‌های قرآنی، استقرار بشر در زمین و سکنی گزیدن آدمی را از نشانه‌های حکمت و تدبیر خداوند در آفرینش معرفی کرده است (رعد: ۳) و آرامش و امنیت وی را وابسته به آن می‌داند؛ به‌گونه‌ای که پرورش و کمال ابعاد وجودی، ارضای عواطف، احساسات، غرایز و تحکیم روابط انسانی، از کارکردهای مسکن در الهیات زیست‌محیطی به شمار می‌رود (نحل: ۸۰ و نور: ۲۷) (کشفی و همکاران، ۱۳۹۳). ازطرفی، تنوع اکوسیستم‌ها و تحولات جوی، باتوجه‌به شرایط اقلیمی و پستی و بلندی‌های زمین، ازجمله کوهستانی، جزیره‌ای یا کویری بودن مناطق آن متغیر بوده و بر قوای بدنی، صفات جسمانی و روانی، خلقیات، نوع رفتار و چگونگی سامان‌یابی تن و روان انسان مؤثر است. براین‌اساس، در نصوص اسلامی، مبتنی بر کارکرد سکونت‌گاه در حیات و استکمال آدمی و تأثیر آن در بهبود روابط انسانی، علاوه بر شرایط فیزیکی، ضوابط و شاخصه‌های مؤثر جغرافیایی و محیطی در ساخت بنا و معماری مسکن بررسی، و ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی تأثیرگذار بر ویژگی‌ها و کیفیت آن تشریح شده است (غیاث و شرقی، ۱۳۹۷، ص۱۷ـ۲۰). بر اساس عوامل مذکور، با انتخاب زمین و مکان مناسب زندگی و بهره‌مندی خردمندانه از محیط‌زیست، کیفیت زندگی و اعتدال جامعه بشری ارتقا می‌یابد و در پرتو آن، سلامت فردی و اجتماعی بشر تأمین می‌گردد (اعراف: ۷۴) (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص۱۷۳).

زیست‌بوم، مبدأ و رکن اساسی تغذیه و رشد و نمو موجودات زنده به شمار می‌رود که حیات و بقای آنها و پرورش و تکامل ابعاد وجودی و شخصیتی آدمی با آن ارتباط دارد؛ به‌گونه‌ای که صحت و راحتی بدن، مصون ماندن آن از بیماری‌ها و ابتلائات جسمانی و آرامش و تعادل رفتاری و روانی وی وابسته به تغذیه سالم است (همان، ۱۳۸۹ط، ج۲۱، ص۵۱۳

و همان، ۱۳۸۸ج، ص۷۱ـ۷۲). در این میان آب، مایه حیات (انبیاء: ۳۰) و مهم‌ترین منبع غذایی طبیعت به شمار می‌رود (نحل: ۱۰) که قسمت عمده ساختار بدن موجودات را تشکیل داده و بر فعالیت‌های اندام‌های داخلی، تنظیم حرارت، دفع سموم و بیماری‌های بدن مؤثر است (Mann and Truswell, 2002, pp113_119). همچنین، برخی مواد مغذی به‌ویژه ویتامین‌ها، مواد معدنی و پروتئین‌ها، در رشد و نمو، نوسازی، حفاظت اعضا و هماهنگی بین آنان نقش دارند و ضمن بهبود جریان خون و افزایش سیستم ایمنی بدن، بر سلامت سلول‌های مغز و اعصاب، عملکرد حافظه و فعالیت‌های روانی تأثیرگذارند. براین‌اساس، تغذیه کامل و رژیم غذایی متعادل، علاوه بر تأمین انرژی بدن و بهبود عملکرد حیاتی آن، بر تندرستی و شادابی تن و جان می‌افزاید (same, pp 55_77 and pp120_258). تأثیر محیط زیست بر تغذیه و نسبت آن با سلامت جسم و روان بشر تا آنجاست که به دلیل چالش‌های زیست‌محیطی، کاهش دسترسی به منابع طبیعی، آبی و غذایی و تهدید امنیت تغذیه،[1] عمده جنگ‌های آتی و بحران‌های اجتماعی از آن نشئت می‌گیرد (Schlosser and et al, 2014, pp341_361). نصوص دینی، بر ضرورت اهتمام به سلامت و آبادانی زیست‌بوم و حفاظت منابع غذایی تأکید و رهنمودهای مؤثری دررابطه‌با سلامت مادی و معنوی تغذیه ارائه نموده است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر توجه به ماهیت کیفی و کمی تغذیه، بهداشت و آداب آن، تأثیرات ویژه مواد غذایی را در رشد اعضای بدن، پرورش قوای جسمی و روحی و خواص درمانی آنها را تشریح کرده و رابطه رژیم غذایی با مزاج و طبایع آدمی و نقش آنها را بر ابعاد شناختی، خلقی و رفتاری انسان تبیین نموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص۱۳۹ـ۱۵۶).

محیط زیست، منبع مهم و اساسی پوشاک انسان به شمار می‌رود (همان، ۱۳۸۶ب، ص۱۳۱) که باتوجه‌به کارکردهای مادی و معنوی آن در حیات، سبک زندگی و تمدن بشر، بررسی رابطه زیست‌بوم با پوشش انسانی و تأثیر آن بر صحت و امنیت جسمانی و روانی آدمی حائز اهمیت است؛ به‌گونه‌ای که میزان سازگاری جنس و رنگ پوشاک با طبیعت و بدن، علاوه بر تأثیرگذاری بر سلامتی و نشاط انسان، در خلقیات، اندیشه و نوع رفتارهای وی مؤثر است و زمینه تکامل شخصیت فردی و اجتماعی آدمی را فراهم

---

۱. ر.ک: https://time.com/5216532/global-food-security-richard-deverell

می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۸، ص۶۸ـ۷۰). بنابراین، آموزه‌های دینی، علاوه بر توجه به آراستگی ظاهری، اندازه، کیفیت و نوع پوشش، رعایت بهداشت لباس و محیط را در راستای پرورش تن و جان آدمی و بهبود و ارتقای روابط انسانی و اجتماعی مؤثر می‌داند[1] (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص۱۵۷ـ۱۶۴).

کارکردهای مادی محیط‌زیست را می‌توان علاوه بر تأمین نیازهای اولیه و ثانویه آدمی، رشد و شکوفایی حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه بشری ارزیابی نمود. براین‌اساس طبیعت، بستر کار و تلاش انسان و عرصه اشتغال و فعالیت‌های تولیدی اوست که با نیازهای مادی، روانی و رفاهی آدمی، ارزش‌های فردی و اجتماعی و معیارهای زیست‌محیطی پیوند دارد. ازاین‌رو رونق معیشت و رشد اقتصاد و تجارت، با سلامت زیست‌بوم و منابع طبیعی مرتبط است و ایجاد قوانین و ضوابط در کار و تولید و تعادل در مصرف، در حفاظت از زیست‌بوم اهمیت مضاعفی می‌یابد. می‌توان ادعا نمود امروزه محیط‌زیست، منبع مهم صنعت گردشگری دنیا محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اختصاص پارک‌های وسیع و طبیعی در اقصی نقاط جهان به این امر، علاوه بر شناخت عجایب خلقت و ظرفیت‌های ناشناخته زمین و بهره‌برداری اقتصادی از آن، سهم بسزایی در ایجاد نشاط اجتماعی و ارتقای معرفتی و معنوی جامعه ایفا می‌کند. آموزه‌های قرآنی، گستره زمین از اعماق دریاها تا اوج آسمان‌ها را عرصه فعالیت‌های انسانی معرفی نموده است و با تأکید بر ضرورت تحرک و پویایی بشر و بهره‌مندی خردمندانه از منافع طبیعت، سستی و بیکاری را آفت و تهدید امنیت و ثبات جامعه به شمار می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که در عرصه کار و تولید، علاوه بر رشد مادی و آرامش روانی آدمی، عزت، کرامت و استقلال جامعه تأمین می‌گردد و در پرتو آن، بر آبادانی و رونق محیط‌زیست به‌عنوان منبع مهم تولید و پویایی اقتصاد جامعه افزوده می‌شود (همان، ۱۳۸۸الف، ص۲۳۳ـ۲۶۶).

۲ـ۵. کارکرد طبیعت در رشد معرفتی و سلامت عقلانی

یکی از تفاوت‌های معنادار الهیات زیست‌محیطی با دیگر دانش‌های زیست‌بوم، نگاه معرفت‌بخش به طبیعت، ساحات و ابعاد آن در چهارچوب نظام احسن الهی است که

۱. ر.ک: کلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۶، باب اللّباس.

زمینه‌ساز رشد عقلانی و اخلاقی آدمی محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نصوص دینی، ضمن اشاره به برخی موارد خاص، بر نگاه عالمانه و مدبرانه به مجموعه نظام خلقت تأکید کرده است. می‌توان ادعا نمود اصلاح جهان‌بینی انسان در ارتباط با طبیعت، علاوه بر آبادانی محیط زیست، به رشد اندیشه و آگاهی وی، تنظیم روابط با خلق، هستی و زیست‌بوم، توسعه سطح سلامت جسمی، روانی، فردی و اجتماعی بشر و سازگاری مؤثرتر با نظام آفرینش در جهت وصول به اهداف خلقت می‌انجامد (همان، ۱۳۸۸الف، ص۱۳۲ـ۱۳۸).

در فرهنگ دینی، سیر آفاقی در عالم و درک قوانین حاکم بر هستی، از اصول اساسی تعالیم الهی در راستای پرورش عقلانی انسان به شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که مشاهده و تأمل در شگفتی‌ها و اسرار درونی طبیعت و عبرت‌گیری از حقایق آن، توجه به کیفیت خلقت، منافع و فواید پدیده‌های زمین، در راستای تحکیم بنیان‌های اعتقادی و تربیتی انسان نقش اساسی ایفا می‌کند که در ذیل به مهم‌ترین ابعاد آن اشاره می‌شود.

توجه به آثار صنع الهی در خلقت، علم، قدرت و حکمت مدبر هستی را به تصویر می‌کشد و نظم، انسجام و هدفمندی مجموعه طبیعت، درک حقیقت قدسی، شعورمندی و ارتباط آن با مبدأ حکمت متعالی، معارف توحیدی و هستی‌شناسی انسان را در راستای تعالی معنوی وی ارتقا می‌دهد. قرآن کریم با اشاره به اختلاف در آفرینش شب و روز، چرخش بادها، حرکت ابرها، نزول باران، رویش گیاهان و ثمردهی درختان و...، آیات معرفت در نظام خلقت را تجلی اسماء و صفات خداوند و نشانه‌هایی برای صاحبان اندیشه و خرد معرفی می‌نماید (همان، ۱۳۸۸هـ، ج۱۶، ص۵۹۴ـ۶۰۸).

آموزه‌های دینی در راستای معرفت‌افزایی و رشد و صلاح بشر، بهره‌گیری از تمثیل‌های طبیعی را در جهت تبیین ماهیت برخی حقایق عالم هستی و وقایع خیر و شر آن مؤثر می‌داند که با ایجاد تناظری عقلانی میان این امور و پدیده‌های طبیعت، حقایق انتزاعی و معنوی را به موضوعات محسوس و قابل ادراک تشبیه نموده است. معارف قرآنی، با اشاره به آفرینش بدیع انسان و مخلوقات، کیفیت و مراحل تکوین و رشد آنها، احیای زمین، تحولات طبیعت و سیر آنها به‌سوی مبدأ هستی، امکان و ضرورت معاد را اثبات و تداعی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص۳۴۴ـ۳۴۸). همچنین تبیین ضرورت نبوت و باور به

حقانیت رسل الهی، از دیگر اصول اعتقادی مورد تأکید خداوند به شمار می‌رود که اشاره به نور آفتاب و روشنایی آن، بادهای بشارت‌دهنده و نزول باران در قرآن کریم بر آن دلالت دارد (همان، ج۱۵، ص۲۲۵ـ۲۲۸). به‌علاوه، ترسیم سیمای حق به آب جاری (رعد: ۱۷) و شجره طیبه، تصویر نمودن هیئت باطل به شجره خبیثه (ابراهیم: ۲۴ـ۲۶)، همانندسازی ابعاد فریبنده و جلوه‌های زودگذر حیات دنیوی با تحولات ناپایدار زمین (یونس: ۲۴)، ازجمله تمثیل‌های قرآنی در جهت تثبیت عقاید، رشد سجایای اخلاقی، تکامل قوای عقلانی و نفسانی و پرورش ابعاد وجودی انسان به شمار می‌رود. علاوه بر آن، عالم طبیعت، گستره عبرت‌گیری از حوادث و رخدادهای دنیا محسوب می‌شود. تدبر و ژرف‌اندیشی در حوادث تاریخی و بررسی سرگذشت اقوام، ملل و تمدن‌ها، علاوه بر ارتقای آگاهی، تکامل قوای عقلانی و نفسانی و رشد سجایای اخلاقی انسان، ارتباطات وی با جهان خلقت و طبیعت را کمال می‌بخشد (آل‌عمران: ۱۳ و ۱۳۷؛ یوسف: ۱۰۹؛ حج: ۴۶؛ روم: ۹؛ فاطر: ۴۴ و نمل: ۶۹).

باتوجه‌به آنچه به تلخیص گذشت و به تفصیل در نصوص دینی قابل مشاهده و رصد است، محیط زیست، منبع مهم معرفتی و رشد عقلانی و اخلاقی آدمی و از ارکان سلامت و نشاط روحی، روانی، فردی و اجتماعی بشر به شمار می‌رود.

۳ـ۵. کارکردهای طبیعت در سلامت معنوی

سلامت و تعالی معنوی انسان، از مهم‌ترین اهداف تربیتی انبیای الهی و از ارکان نصوص وحیانی در الهیات زیست‌محیطی اسلام به شمار می‌رود؛ تا آنجاکه بخش عمده‌ای از تعالیم فقهی، اخلاقی، عرفانی و عبادات، به تقویت و تأمین این رکن اختصاص یافته است. معنا و معنویت، شالوده اصلی غالب بینش‌ها، گرایش‌ها، اعتقادات و اخلاقیاتی است که در الهیات اسلامی بر آنها تأکید شده است؛ به‌گونه‌ای که حیات متألهانه آدمی، سیر مراحل خودسازی، پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی و تضمین سلامت جسمی، روحی و اجتماعی بشر، مبتنی بر آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۴ب، ص۴۰ـ۴۷). بدین‌سان، فقدان معنا و معنویت، پویایی و نشاط مادی و معنوی انسان و سایر شئون و ساحت‌های زندگی بشر را به چالش خواهد کشید. ازآنجاکه در ادبیات دینی، معنویت در حقیقت و باطن عمل نهفته است و با نظام اعتقادی و اهداف یک رفتار خاص ارتباط دارد، در بیان قرآنی، آیات الهی و نشانه‌های

آن در طبیعت، تجلی مبدأ هستی و گستره‌ای بالنده برای کسب و ارتقای سلامت معنوی بشر به شمار می‌رود (فصلت: ۱۱؛ رعد: ۱۵، آل‌عمران: ۸۳ و ۱۰۹؛ یونس: ۵۶؛ مریم: ۴۰؛ بقره: ۲۸۱ و فصلت: ۱۵۳).

در الهیات زیست‌محیطی، نگرش معنادار به طبیعت، تفسیر و بهره‌برداری معنوی از آن، نقش مؤثری در رشد، کمال و تعالی انسان ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که ارتباط با حقایق معنوی زیست‌بوم، علاوه بر پرورش قوای شناختی و معرفتی بشری، فطرت انسانی و ظرفیت‌های وجودی آدمی را شکوفا می‌سازد. همچنین، انس با زیبایی‌های طبیعی آفرینش، بر لطافت و صفای باطن می‌افزاید و پیوند و اتصال درونی انسان با مبدأ هستی را تعمیق می‌بخشد تا آنجا که طبیعت، خاستگاه عروج انبیای الهی محسوب می‌شود که در دامان آن آموزه‌های توحیدی و عرفانی آموختند.

علاوه بر آن، در نصوص دینی، توجه به ظواهر عالم طبیعت و غفلت از حقایق باطنی و معنوی آن مذمت شده است و بهره‌برداری هدفمند از آن در مسیر حرکت استکمالی انسان، زمینه ارتقای حیات متألهانه و طیب و کسب ره‌توشه آخرت را فراهم می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹هـ ص۱۹ـ۲۲). براین‌اساس، محیط زیست، قلمرو آزمون خداوند، عرصه تکلیف بشر و بستر شکوفایی استعدادها و کمالات انسانی محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بهره‌مندی از نعمت‌های عالم طبیعت و رفاه، امنیت و آسایش، آزمون شکرگزاری و مسئولیت‌پذیری انسان تلقی می‌شود و نقمت‌های آن و ابتلا به مصائبی مانند نقص در اموال، اولاد و انفس، علاوه بر امتحان صبر بندگان، تنبّه غافلین و دنیاگرایان به شمار می‌رود. (همان، ۱۳۸۸الف، ص۲۱۱ـ۲۲۹).

بنابراین، باتوجه‌به نقش و کارکرد طبیعت در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان، آبادانی و تکامل محیط زیست، از لوازم کمال، تعالی و سلامت معنوی بشر به شمار می‌رود. از این رهگذر، معارف وحیانی در راستای حفظ سلامت و تعادل محیط زیست، مسئولیت‌ها و وظایف انسانی را تعریف و ارائه نموده و احترام به حیات و حقوق موجودات، احیای منابع طبیعی و عمارت زمین[1] را ازجمله اعمال عبادی بشر برشمرده‌اند که علاوه بر نزول خیرات و برکات الهی، ثواب و منزلت اخروی را در پی دارد. (همان، ص۱۷۳ـ۱۷۹).

۱. در نصوص دینی، ازجمله به درختکاری و زراعت توصیه شده است که برکات و ثمرات دنیوی و اخروی را درپی‌دارد.

۶. رابطه عملکرد انسان با مسائل زیست‌محیطی

عطف به جایگاه عالم طبیعت در نظام هستی، و هوشمندی و غایتمندی آن که به تفصیل گذشت، رابطه مستقیمی میان همه موجودات عالم هستی و افعال و تعاملاتشان وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که افزایش یا کاهش بی‌رویه برخی از موجودات زیست‌بوم، علاوه بر اختلال در چرخه حیات اکوسیستم‌ها، منشأ چالش‌های خاص زیست‌محیطی می‌گردد. در این میان، باتوجه به هوشمندی و گستره تصرف و بهره‌برداری انسان از طبیعت، تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم عملکردهای وی، نقش اساسی و بنیادین در ایجاد بحران‌ها و آبادانی‌های زیست‌محیطی ایفا می‌کند (همان، ۱۳۹۶، ص۷۳۷ـ۷۳۸). بنابراین، تأثیرات متقابل روابط انسان و محیط‌زیست، با نگرش و رفتار آدمی در جهان و طبیعت مرتبط است که در قلمرو سنن الهی در عالم هستی اثبات و تبیین می‌گردد (همان، ۱۳۸۸ب، ص۳۸ـ۳۹).

علامه جوادی آملی باتوجه به پیوند انسان و طبیعت و اثربخشی متقابل آنها در نظام احسن هستی، به تأثیر اعمال آدمی به‌عنوان خلیفه‌الله در تحولات زیست‌بوم و پویایی و باروری آن توجه نموده است. ازاین‌رو، تعامل انسان و طبیعت را در کمال جسمی و تعالی روحی او یا کاستی و سقوط وی تأثیرگذار می‌داند که رشد و ارتقا یا انحطاط و تباهی محیط‌زیست وابسته به آن است (همان، ۱۳۸۸الف، ص۱۷۹ـ۱۸۶). در نصوص دینی، نسبت میان مجموعه ملکات و کمالات انسانی و رویدادهای عالم طبیعت بررسی شده است و دررابطه با میزان بهره‌مندی آدمی از نعمت‌ها و برکات آفرینش و تأثیر گناه، طغیان و فساد وی در نزول عطایا و بلایا، مباحث و دقایق زیادی وجود دارد. به‌علاوه، تأثیر عقاید، اخلاق و عملکرد ایمانی بشر در تغییر سرنوشت اقوام و تبدیل و دگرگونی نعمت‌های الهی تحلیل گردیده است که در الهیات زیست‌محیطی علامه نیز بررسی شده‌اند (همان، ۱۳۸۸ب، ص۱۰۲ـ۱۰۳). به عبارتی، سنن و نوامیس پایدار الهی در مقام تکوین و تشریع، گواه هماهنگی و انطباق فطرت، طبیعت و شریعت است (نصر، ۱۳۸۵، ص۴۰ـ۴۱ و ۹۸ـ۹۹). ازطرفی، در نگاه جامع‌نگر ایشان در تفسیر مجموعه آیات و روایات؛ کارکرد، آثار و روابط ویژه وقایع خلقت، با تصرفات و عملکرد انسان و ساختار نظام آفرینش مرتبط است که در گستره حکمت و غایتمندی افعال الهی و قوانین و سنن ثابت هستی محقق می‌گردد. بااین‌حال، تأثیر

مستقیم عملکرد انسان در اصلاح زیست‌بوم و نقش آن در بحران‌های زیست‌محیطی، حائز اهمیت است. براین‌اساس، در پرتو آموزه‌های وحیانی، با تدوین عقاید، احکام و تکالیف اخلاقی و شرعی، ارتباطات و تعاملات انسان با محیط‌زیست سامان می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ب، ص۱۶۸ـ۱۶۹)؛ به‌گونه‌ای که شناخت و تحصیل اصول زیست‌محیطی، پرهیز از تخریب محیط‌زیست و سعی در اداره، حفاظت و آبادسازی آن، از بارزترین حقوق و تکالیف بشری به شمار می‌رود تا صحت، نشاط و تعالی جامعه و افراد آن تضمین گردد (همان، ۱۳۸۱، ج۱، ص۴۴).

نتیجه‌گیری

الهیات زیست‌محیطی، حاصل مطالعات و یافته‌های جدید اندیشمندان و الهی‌دانان معاصر و از شاخه‌های مهم الهیات به شمار می‌رود که درصدد است با استفاده از سنن و منابع دینی و الگوهای الهیاتی، با تبیین نسبت میان خداوند و جهان هستی و تحلیل نقش و جایگاه انسان دررابطه با طبیعت، به ریشه‌یابی و چاره‌جویی بحران‌های محیط‌زیست بپردازد. در این میان، الهیات زیست‌محیطی علامه جوادی آملی، مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناسی فلسفی ـ کلامی دین اسلام، قابل اثبات است. ایشان با توصیف نظام احسن، حکمت و غایتمندی آن، جایگاه ویژه طبیعت و خلیفه‌الله را در آفرینش تفسیر نموده است و تکالیف و مسئولیت‌های وی را در حفاظت، اداره و آبادانی زیست‌بوم بررسی می‌نماید که ظهور کارکردهای آن در کسب و ارتقای امنیت و سلامت مادی، معنوی، اقتصادی، اجتماعی و... جامعه بشری، حائز اهمیت است. براین‌اساس، علامه ضمن بهره‌گیری از نصوص دینی و معارف قرآنی، تأمین نیازهای اولیه زندگی، رشد، کمال، سیر استکمالی انسان و حیات و بقای موجودات را وابسته به طبیعت می‌داند؛ به‌گونه‌ای که عناصر ساختاری زمین و تغییرات اقلیمی و جوی، بر بالندگی زیست‌بوم، ویژگی‌های جسمی و روحی و نشاط آدمی مؤثر است. به‌علاوه، نیازهای بنیادین آدمی از قبیل مسکن، تغذیه و پوشاک که در سامان‌یابی تن و جان انسان و تعادل و تکامل ابعاد وجودی وی مؤثر است، با محیط‌زیست و منابع طبیعی ارتباط دارد. ازاین‌رو، بخش عمده‌ای از آموزه‌های دینی، به ویژگی‌های کیفی و کمی، بهداشت، آداب و

شـرایط بهره‌مندی از آنها اختصاص یافته است. همچنین، گستره زمین، عرصه کار، تلاش و فعالیت‌هـای تولیدی و اقتصادی بشـر محسـوب می‌شـود که در پرتو آن، عـلاوه بر تأمین سـلامت و آبادانـی زیسـت‌بوم؛ صحت، آرامـش، امنیت آدمـی و ارزش‌ها و کمـالات فردی و اجتماعـی محقـق می‌گـردد. طبیعـت در نگـرش الهیاتی علامـه، از کارکردهـای عقلانی، اخلاقی و معنوی برخوردار اسـت که از ارکان سـلامت جسمی و روحی آدمی و لازمه حیات متألهانه وی به شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که سیر آفاقی در عالم، تدبر در آیات جمال و جلال الهی در طبیعت و عبرت‌گیری از وقایع دنیا، در رشد معرفتی و اعتقادی و پرورش سجایای اخلاقی وی مؤثر اسـت. همچنین، اصلاح بینش و رفتار انسـانی در ارتباط با مبدأ هسـتی و مخلوقـات، در بسـتر حیات دنیوی، ابتلائـات و نعم الهی واقع می‌گردد که از لوازم تکامل نفسـانی و تعالی وجودی آدمی اسـت. حال آنکه تأثیرات متقابل تعامل انسـان و طبیعت و رابطـه اعتقـادات و عملکرد ایمانی بشـر با وقایع خلقت، در قلمرو سـنن ثابت الهی محقق می‌گردد که در الهیات زیست‌محیطی علامه تبیین شده‌اند.

ازآنجاکه بحران‌های محیط‌زیسـت، حاصل غلبه جریان‌های فکری و فلسـفی، به‌ویژه اومانیسـم و سـکولار بر انقلاب‌های علمی ـ فرهنگی معاصر اسـت؛ چنین رویکردی، بشـر مـدرن را بی‌توجـه بـه جایـگاه طبیعـت در آفرینش و مقام و نقش انسـان در هسـتی، با نگاه ابـزاری بـه زیسـت‌بوم، به‌سـوی تخریـب و بهره‌بـرداری حداکثـری از آن سـوق داد. الهیـات زیسـت‌محیطی علامـه جـوادی آملـی ضمـن جایگزینـی جهان‌بینـی توحیـدی بـا نگـرش مادی‌گرایانه و الحادی غرب، اصلاح معرفتی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی بشر را راهکار حل چالش‌هـای محیط‌زیسـت می‌دانـد و با ارائه مبانی اسـلامی توسـعه پایدار، عـلاوه بر حفظ حیات و حقوق زیست‌بوم و موجودات، در راستای سلامت، رفاه، امنیت و سعادت فردی و اجتماعی بشر گام برمی‌دارد.

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. ابن‌عربی، محی‌الدین (۱۹۹۴م)، الفتوحات المکیة، تحقیق و تصحیح: عثمان یحیی، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش)، سروش هدایت، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۴. ـــــــــ (۱۳۸۴ش/الف)، معرفت‌شناسی در قرآن، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۵. ـــــــــ (۱۳۸۴ش/ب)، حیات حقیقی انسان در قرآن، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۶. ـــــــــ (۱۳۸۶ش/الف)، رحیق مختوم، جلد ۱ـ۲، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۷. ـــــــــ (۱۳۸۶ش/ب)، شریعت در آینه معرفت، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۸. ـــــــــ (۱۳۸۶ش/ج)، سرچشمه اندیشه، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۹. ـــــــــ (۱۳۸۷ش/الف)، نسبت دین و دنیا، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۰. ـــــــــ (۱۳۸۷ش/ب)، تحریر تمهید القواعد، جلد ۲، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۱. ـــــــــ (۱۳۸۸ش/الف)، اسلام و محیط‌زیست، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۲. ـــــــــ (۱۳۸۸ش/ب)، حق و تکلیف در اسلام، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۳. ـــــــــ (۱۳۸۸ش/ج)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۴. ـــــــــ (۱۳۸۸ش/د)، تسنیم، جلد ۸، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۵. ـــــــــ (۱۳۸۸ش/هـ)، تسنیم، جلد ۱۶، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۶. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/الف)، انتظار بشر از دین، چاپ ششم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۷. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/ب)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۸. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/ج)، تفسیر انسان به انسان، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۹. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/ح)، تسنیم، جلد ۱۳، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۲۰. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/د)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء.

۲۱. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/ز)، تسنیم، جلد ۱۰، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.

۲۲. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/ط)، تسنیم، جلد ۲۱، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.

۲۳. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/و)، تسنیم، جلد ۳، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.

۲۴. ـــــــــ (۱۳۸۹ش/هـ)، دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج‌البلاغه، چاپ پنجم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۵. ـــــــــ (۱۳۹۰ش/الف)، تبیین براهین اثبات خدا تعالی شأنه، چاپ ششم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۶. ـــــــــ (۱۳۹۰ش/ب)، ادب قضا در اسلام، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۷. ـــــــــ (۱۳۹۰ش/ج)، ادب فنای مقربان، جلد ۷، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۸. ـــــــــ (۱۳۹۱ش)، مفاتیح الحیاه، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۹. ـــــــــ (۱۳۹۶ش)، آرشیو دروس خارج تفسیر ۹۱ـ۹۲، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان
۳۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸ش)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀.
۳۱. صالح، محمدحسن و حسنی، علی (۱۳۹۶ش)، «نقد و بررسی مدل‌های الهیات محیط‌زیست در مسیحیت نوین»، مجله ادیان و عرفان، سال پنجاهم، ش۱، بهار و تابستان، ص۱۰۳ـ۱۲۷.
۳۲. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمدبن‌ابراهیم (۱۹۸۱م)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیّه، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. غیاث، مجید و شرقی، مریم (۱۳۹۷ش)، «نقش پارامترهای اقلیمی بر سلامت و بیماری‌های روحی و روانی افراد»، مجلّه طب سنّتی اسلام و ایران، سال نهم، ش۱، بهار، ص۱۳ـ۲۳.
۳۵. کشفی، محمدحسین؛ جواهرپور، حسام و کشفی، محمدعلی (۱۳۹۳ش)، «بررسی مبانی فلسفی سکناگزینی از دیدگاه پدیدارشناسی، با تکیه‌بر ارزش‌های اسلامی ایرانی»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۴، ش۲، پیاپی ۵۱، تابستان، ص۵۵ـ۸۰.
۳۶. نصر، حسین (۱۳۸۵ش)، دین و نظم طبیعت، ترجمه: ان‌شاءالله رحمتی، تهران: نشر نی.
۳۷. ـــــــــ (۱۳۸۶ش)، دین و نظام طبیعت، ترجمه: محمدحسن فغفوری، چاپ دوم، تهران: حکمت.
1. Abbagnano, Nicola (1972), "Humanism", in The Encyclopedia of Philosophy, Paul Edwards, NewYork, Macmillan and Free Press.
2. Bacon, Francis (2000), New Organon, London, Cambridge University Press.
3. Bacon, Francis, (2006) Advancement of Learning. London. DODO Press,.
4. Heidegger, Martin (1977), The Question Concerning Technology, pp 3–35.
5. Hume, Robert Ernest (1959), The world's living Religions: with special Reference to their sacered, Oxford University Press.

6. Lal. Rattan (2015), Academic Editor: Marc A. Rosen. Restoring Soil Quality to Mitigate Soil Degradation, The Ohio State University, Columbus, OH 43210, USA. Sustainability journal, pp 5875_5895.
7. Mann, Jim and Truswell, A. Stewart (2002), Essentials of Human Nutrition, Second Edition, Oxford University Press.
8. Schlosser, C. Adam and Strzepek, Kenneth and Gao, Xiang and Fant, Charles and Blanc, Eodie and Paltsev, Sergey and Jacoby, Henry and Reilly, John and Gueneau, Arthur (2014), The Future of Global Water Stress: An Integrated Assessment. AUG Earth's Future, pp 341_361.